



آزادراه

رقابت تنگاتنگ نماینده‌ها  
و تلویزیون!



شهاب نبوی  
طنز نویس

هفته علمی-تخیلی مان در حالی ادامه دارد که اتفاقات و خبرهایی که قابلیت سوژه شدن در این ستون را دارند، با همت مسئولان محترم بسیار زیاد شده و ما اگر کل صفحات روزنامه را هم به این موارد اختصاص بدهیم، باز کم می‌آوریم. اصلا یک صد و سی و سی می‌تواند (مثلا اینی که داریم اصلا طنز نیست) برای این کار لازم است. بهترین خبر این هفته درخصوص یک مسئول خیر و دل‌رحم بود که بار دیگر به همه ما ثابت کرد انسانیت نمرده، ماندلا زنده است و روح گاندی هنوز هم گاهی از این منطقه رد می‌شود و سلامی حواله‌مان می‌کند. این مسئول عزیز و بزرگوار، در اقدامی که اشک را در چشم هر جنبنده‌ای می‌جنباند، از معلمی که کاریکاتورش را کشیده بود، گذشت و نگذاشت این عنصر گچ تخته خور معلوم الحال شلاق بخورد. یک خبر که نه، چندین خبر و سوژه هم این چندروزه از صد و سی و سی بیرون آمد.

کلا در حال حاضر بین صد و سی و سی و مجلس رقابتی فشرده برای تولید سوژه وجود دارد و تا یکی از نمایندگان مجلس می‌رود پشت تریبون و چیزی می‌گوید، مسئولان تلویزیون به کارشناسان خود می‌گویند: «آ ماشاءالله، زودتر خودتو گرم کن برو جلوی دوربین و به چیزی بگو تا دهن همه اندازه تونل کندوان باز بمونه و نماینده‌ها بفهمند توی تولید کلمات رایگان، رئیس کیه.»

سوژه مهم دیگر این هفته درباره رونق بازار اجناس دست دومی مانند شیشه‌های مربا و جاسسی و اینجور چیزها بود. متأسفانه مردم ما به شکل ناچوری نابینا شده‌اند و نمی‌بینند که آنچه رونق اقتصادی به بخش‌های مختلف بازار کشور از جمله شیشه مربا برگشته و همه‌اش غر می‌زنند که کاسی نیست. ما ضمن تشکر از مسئولان عزیز از آنها درخواست داریم هرچه سریع‌تر رونق را به سایر بازارها از جمله نون خشکی، دمپایی پاره و لباس کهنه نیز برگردانند تا بیش از اینها دچار گشایش شویم. خبر مهم دیگر این هفته درخصوص همسر یکی از بازیکنان رئال مادرید بود که رفته و یک ستاره را در فضا به قیمت ۴ میلیون دلار برای بچه‌شان خریده. این خبر به خودی خود ربط چندانی به ما ندارد، اما با ذکر آن خواستیم عرض کنم که یعنی کلاهبرداری در همه جای جهان وجود دارد. ما در اینجا نهایت پول معلم‌ان را در صندوق ذخیره فرهنگیان بالا می‌کشیم یا منت دوستان مان را به جان می‌خریم که لواسان را به نام مان کنند، اما در اونجا طرف ستاره را در پاچه طرف می‌کند که باید از کلاهبرداران و اختلاسگران داخلی بابت وجدان کاری‌شان تشکر کرد.

مدیرعامل سایپا هم در خبری که صنعت خودروسازی جهان را مانند زله لرزاند، اعلام کرد که شاسی بلند این شرکت در راه است. ما هرچه پیش خودمان حساب کردیم، دیدیم پراید اصلا نمی‌تواند شاسی‌اش را این قدر کش بیورد تا بلند شود.

یعنی هر شاسی تا به حدی بلند می‌شود؛ این را دیگر لاقال تمام شاخ‌های اینستاگرام می‌دانند، اما متأسفانه مسئولان خودروسازی کشور هنوز نمی‌دانند.

تماشاخانه



یک نماینده: موافق ارسال پیامک‌های در خصوص پوشش نامناسب هستیم، این پیامک‌هایک برخوردارند باز دارند برای کسانی است که منطق دارند

نماینده مذکور:

اول پیامک بعد اقتصاد!

- مردم: منطق مایاشما!؟
- کتاب درسی منطق دبیرستان: منو دید بهش یه دور مرور کنه!
- منطق: منوزخمی نکرده بودید که کردید!
- نماینده قزوین: من فلسفه قاره‌ای می‌خوام!
- ماهواره: من رو هم همین منطق بازی هاتون از جامعه محو کرد!
- پلیس: ما سند تو آل می‌کنیم، آدم‌های منطقی خودتون میان پرداخت می‌کنند!
- یک فعال اصلاح طلب مطرح کرد:
- باید روش‌های بهتری به کار برد از قبیل دایرکت، ایمیل و...
- همه منطقی! غیر منطقی! اما منطقی! شما شهرنگ

میلیاردر شوید

چرامهاجرت نمی‌کنم؟

یکی از فالوورهای پیج انگیزشی و موفقیت ۸۴۸۶ انگیزش.biutifool.mind پیام داده که «ادمین محترم، شما با این سطح از دانش، باید حتما مهاجرت کنید. چرا این کار را نمی‌کنید؟» بخش اول حرفش در مورد سطح دانشم را کاملاً قبول دارم، اما با بخش دوم مخالفم. من در این مرزوبوم بسیار موفق ترو پیرانگیزه‌تر از هر جای دنیا هستم. پاسخ فالوور محترم را به این صورت دادم:

«استیو جابز را حتما می‌شناسی. کسی که روزی زیر درخت نشسته بود و وقتی سیبی به سرش خورد، ایده تاسیس اپل به ذهنش رسید. دقت کن که اگر آن سیب به سر آدمی مثل تو می‌خورد، نهایتاً کمی باد می‌کند. البته اصلا قصد تحقیرت را ندارم.»

استیو جابز می‌گوید: «رویا آن چیزی نیست که شب‌ها در خواب می‌بینی. رویا آن چیزی است که نمی‌گذارد شب‌ها بخوابی.» از این جهت کشور ما کشور رویاهاست. کلی موضوع هست که نمی‌گذارد بخوابی. دلار و ماشین و خانه، در اینجا رویاست. او در جای دیگری می‌گوید: «ما همیشه از شکست‌های بیشتر یاد می‌گیریم تا موفقیت‌ها.» بنابراین بهتر است جایی زندگی کنی که احتمال شکست خوردن در آن بیشتر از موفقیت باشد.

علاوه بر این، قوانین خیلی از کشورها به ضرر کسب و کار است. در نظر بگیر جایی زندگی می‌کنی که خرید و فروش فالوور در آن ممنوع است. قوانین دست و پاگیر کپی‌رایت در آنجا رعایت می‌شود. حسابش را بکن برای هر جمله‌ای که از جایی کپی می‌کنی و آهنگی که رویش می‌گذاری باید جواب پس بدهی! یک دفعه بگویند نباید درآمد کسب کنید! تو در یک کشور توسعه یافته نمی‌توانی از آموزش موفقیت

محمد حسین میرابوطالبی

پولدار شوی. همان طور که در جایی که همه لاغرند نمی‌توانی از رژیم لاغری پول دریاوری. در جایی می‌توانی از آموزش موفقیت پولدار شوی که آدم‌های ناموفق زیادی داشته باشند. چیزی که اینجا به وفور می‌توانی پیدا کنی.

من یک پیج تخصصی مشاوره مهاجرت هم دارم. در آنجا با توجه به خصوصیات فردی، ماه تولد و توانایی‌های فرد، بهترین کشوری که می‌توانند به آن مهاجرت کنند، برایشان تشخیص می‌دهم. حتی پکیج کامل مهاجرت هم ارائه می‌دهم که شامل رد شدن از مرز و رسیدن به کمپ می‌شود.

طبیعتاً مثلاً در آلمان نمی‌توانم چنین درآمدی داشته باشم. بنابراین این حرف مسئولان که ایران کشور خیلی بهتری از آلمان است، حرف کاملاً صحیحی است. البته اگر مایل باشی می‌توانیم یک پیج انگلیسی برای مشاوره مهاجرت به ایران تأسیس کنیم و در آن از مزایای زندگی در اینجا بگوئیم. □

تقاطع غیرهم سطح

سند سلامت روان

تلاش کنند تا به دست بیاورند یا اینکه خودشان را بکشند. این گونه برای سلامت روان مسئولان آموزش و پرورش هم مشکلی پیش نمی‌آید و بی‌خود نگران کمبود امکانات نمی‌شوند.

در به وجود آمدن این وضع ما هم مقصریم. مگر ۱۵ شهریور به همت مسئولان، کرونا را شکست ندادیم و دانش‌آموزان ما را به مدرسه نفرستادیم؟ پس چرا یک عده شلوغش کردند که جان دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در خطر است. همین سوسول بازی‌ها را در آورده‌ایم که کرونا فهمید شکست نخورده و دوباره اوج گرفت. همین کارها را کردیم که آموزش و پرورش مجبور شد دوباره کلاس‌ها را به شکل آنلاین برگزار کند. چرا ما مردم آن قدر مسئولان مان را اذیت می‌کنیم و نگران سلامت روح و روان‌شان نیستیم؟

اگر کلاس‌ها برگزار می‌شد خرجش چند تا کانکس بود این گونه امکانات برابر آموزشی به همه می‌رسید. نمونه‌اش سیستم و بلوچستان. تازه می‌توانستند در برخی شهرهای بزرگتر، کف کانکس و اطرافش را هم موقت کنند. درست است بوجه آموزش و پرورش آن قدر نیست که از این ریخت و پاش‌ها کند ولی خدا به پول معلم‌های حق‌التدریس برکت بدهد. حالا که حقوق نگرفتند، چند ماه دیگر هم روش. تازه اگر کانکس‌ها کوچک باشد چه بهتر. دانش‌آموزان کنار هم می‌نشینند و بیشتر با هم صمیمی می‌شوند برای سلامت روان‌شان هم بهتر است. تازه اگر یکی کرونا داشته باشد، بقیه هم می‌گیرند که در حق کسی اجحاف نشود.

مگر ما دهه شصتی‌ها چطور درس خواندیم. در هر نیمکت چهار دانش‌آموز می‌نشستیم. حالا ببینید چقدر حال مان خوب است؟ چقدر از نظر روانی سالم و بشاشیم؟ این کار برای پوست مان هم بهتر بود. کلی کلفت‌تر شد.

برای همین تجربه‌ها و آزمون‌های بدون خطاست که مطمئنیم سند سلامت روان دانش‌آموزان چیز خوبی از آب درآمده است. بالاخره چهار تا آدم سالم دور هم جمع شدن نمی‌دانند، دارند چه می‌کنند. □



طیبه رسول زاده  
طنز نویس

از آنجایی که آموزش و پرورش به تازگی سند سلامت روان دانش‌آموزان را ارائه داده است لازم دانستیم از وزارت آموزش و پرورش و مسئولان متفکر آن به پاس چنین حرکت هوشمندانه‌ای تشکر کنیم و به پاس قدردانی از زحماتشان چند اقدامی که در هفته گذشته در این مسیر انجام داده‌اند را نام ببریم.

شاید با خودتان بگویند آفرین که آن قدر با دل و جرات و از شلاق نمی‌ترسید. باید بگویند که خیلی به دل و جرات ربط ندارد. ما که معلم نیستیم از این چیزها بترسیم. روزنامه‌نگاریم. تازه در کودکی به اندازه کافی از ناظم و مدیر مدرسه کتک خورده‌ایم. اصلاً هم درد نداشته. بالاخره هر شغلی تنبیه‌های خاص خودش را دارد. به یکی کسری حقوق می‌دهند، یکی از امکان ارتقای شغل محروم می‌شود، یکی خسارت باید بدهد، یکی را اخراج می‌کنند، یکی را هم شلاق می‌زنند. تازه شلاق برای سلامت روان معلم‌ها و دانش‌آموزان‌شان خوب است. شما از معلم کلاس زهر چشم بگیرید حساب کار دست دانش‌آموزان هم می‌آید دیگر جرات نمی‌کنند با هیچ‌یک از کادر مدرسه شوخی کنند و آن قدر پررو شوند که کاریکاتور مدیر و ناظم و معلم را بکشند. دانش‌آموز می‌تواند به جای کشیدن تصویر آدم‌های اطراف‌شان، گل و درخت و خانه بکشد که به کسی هم توهین نشود.

البته دیگر مدارس به شکل آنلاین برگزار می‌شود و دانش‌آموز می‌تواند قسمت‌های مشکل‌آفرین نقاشی‌اش را با فتوشاپ حذف کند و به جای آن گل‌دان و آب‌آبازر بگذارد. حالا ممکن است بعضی از دانش‌آموزان گوشی موبایل یا تبلت نداشته باشند که آنلاین درس بخوانند. این مشکل خودشان است نه وزیر و مدیر مدرسه. می‌توانند

شهر فرنگ

فرهاد فروتنیان  
کار نویس

